آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۰۶۴
دوشنبه
۲۸ • ۰۴ • ۱۴۰۰
۰۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۲/ ۱۹ جولای ۲۰۲۱

یادداشت

## مبانی ساختارهای سیاسی

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

به منظور بهبود شرایط (اقتصادی، سیاسی، روابط خارجه و...) اجتماعی و ملی، دلسوزان بسیاری به‌طور روزمره، انبوهی از تحلیل‌ها، راهکارها و نظرهایی را تولید و به بازار سیاسی عرضه می‌کنند. اما به دلایلی نامشخص تلاش‌های پیوسته میهن‌دوستان بی‌نتیجه و شرایط اجتماعی و ملی روندی نامطلوب و ناامیدکننده را طی می‌کند. شاید دلیل ناکامی و بی‌حاصل بودن انبوه تحلیل‌ها، راهکارها و نظرات این حقیقت است که تحلیل‌ها معطوف به «ساختار» مدیریت کلان نیستند. یکی از مفاهیم نسبتا رایج در ادبیات مدیریت سیاسی، «مشکل ساختاری» است. بدین معنی که برخی مواقع مدیران سیاسی دلیل ناکامی یک راهکار یا سیاست را مشکل ساختاری تلقی می‌کنند. متاسفانه به ندرت (حداقل در فضای رسمی) تبیین مشکل ساختاری، موضوع اذهان تحلیلگر است که دلمشغول چاره‌اندیشی پیرامون انبوه و انواع چالش‌های اجتماعی و ملی هستند. یقینا بحث و پرداختن به «چالش ساختار مدیریت کلان» بسیار فراتر از توان و مجال این موجز است. با این وجود، تلاش می‌شود تبیینی بسیار کلی و مختصر از چیستی «مشکل ساختار مدیریت کلان» در این موجز ارائه شود. در جهان قابل‌فهم معاصر برخلاف قرون پیشین، انسان‌ها (بهبود زیست شهروندان) کاربردی و مشروع‌ترین اهداف سیاسی هستند. به‌گواه شواهد و تجربیات تاریخی مدیریت کلان آرمان‌گرا و ایدئولوژیک که شهروندان (انسان‌ها) عینی، زمینی و ملموس را هدف غایی ندانند، منجر به ناکارآمدی و بستر انبوه و انواع چالش‌های اجتماعی و ملی خواهند بود. بی‌تردید یکی از عوامل اصلی ناکامی برخی آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی این است که این آرمان‌ها زاده برخی اذهان، که یا درکی عینی از جهان ندارند یا اهداف غیرجمعی را پیگیری می‌کنند، است. اگر توسعه سیاسی جوامع را در دو مرحله (قبل و بعد از عصر روشنگری) تلقی کنیم، آنگاه، باید گفته شود، قبل از عصر روشنگری، مدیریت سیاسی جوامع مبتنی بر تجربه، اراده و منافع برخی افراد یا گروه‌های اجتماعی بود، اما بعد از عصر روشنگری (برآیند تحول و توسعه خرد انسانی که در انواع کشفیات علوم در عرصه‌های گوناگون به‌وقوع پیوست)، مدیریت سیاسی جوامع مبتنی‌بر دانش نوین در عرصه‌های گوناگون و به‌ویژه علوم انسانی قابل‌فهم، متکی بوده است. به عبارتی، مدیریت ساختار، محور جایگزین مدیریت سیاسی مبتنی‌بر تجربه و اراده فردی شد. به‌بیانی کاربردی، مدیریت ساختار، محور مبتنی‌بر اهداف جمعی (منافع ملی) و مدیریت تجربی و ارادی، مبتنی بر اهداف (منافع) فردی و جناحی است. از آنجا که ساختار مدیریت کلان در جهان خرد محور معاصر تابع انبوه و انواع نیازهای شهروندان است و اینکه نیازها پیوسته متغیر و بیشتر می‌شوند، به‌طور اجتناب‌ناپذیری ساختارهای مدیریت سیاسی باید متحول و به‌روزرسانی شوند. دقیقا به همان دلیل که در جوامع امروزی چهارپایان وسیله حمل‌ونقل نیستند، نمی‌توان برای حل‌وفصل انبوه و انواع چالش‌های جوامع پیچیده معاصر، به اندیشه، روش‌ها و ساختارهای مدیریتی قرون پیشین مراجعه کرد. به منظور تبیین کاربردی و شفاف «مشکل ساختاری» اجازه دهید تا ساختار مدیریت کلان را با یک خانه کلنی مقاسیه کنیم. یک خانه کلنی نیازمند نوسازی است. اما مالک آن منابع مالی لازم را برای نوسازی ندارد. در چنین شرایطی مالک خانه کلنی دو گزینه پیش‌رو دارد. یا در همان خانه «تا آخر» زندگی کند، یا به‌طور مشارکتی و با استفاده از منابع مالی فرد دیگری اقدام به نوسازی خانه کلنی خود کند. یقینا، برخی مخالف این قیاس خواهند بود، اما اگر در نگاه خود صادق باشیم، خواهیم دید که بنابر شواهد بی‌شمار در عرصه‌های اقتصادی، روابط خارجه، سیاسی، افسردگی عمومی و... ساختار مدیریت نیازمند مشارکت برای نوسازی است. هیچ ذهن میهن‌دوستی نمی‌تواند انکار کند که در جهان معاصر، کاربردی و پایدارترین اهداف سیاسی، اهداف جمعی (منافع ملی) هستند. چراکه، «ساختار مدیریت کلان» متناسب با اهداف سیاسی و اهداف سیاسی کاربردی، برآمده از انواع نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای جمعی است. تا زمانی که «اهداف ساختار مدیریت کلان» مبتنی‌بر تحقق منافع و امنیت ملی نباشد، انتظار اینکه دولت‌ها (قبلی یا آتی)، جناح یا صاحب‌منصبی صرف‌نظر از گرایش‌ها و تمایلات سیاسی، بتواند انبوه و انواع چالش‌های فلج‌کننده اجتماعی و ملی را حل‌وفصل کند

نکته

محسن کوهکن:

## گذشته برجام یک تجربه برای کشور و دولت جدید است

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص روش دیپلماسی رئیس جمهور منتخب گفت: حجت الاسلام رئیسی در اولین گفت‌وگویی که داشتند شفاف و روشن اشاره کردند که مشی او در سیاست خارجی چیست؛ قطعا بر اساس عزت، حکمت و مصلحتی که مدنظر مقام معظم رهبری است، پیش خواهند رفت. محسن کوهکن اظهار داشت: موضوع مذاکرات، برجام است و در خصوص برجام ما یک قانون مصوب در مجلس داریم و یک شروطی که مقام معظم رهبری مطرح کردند که بر آن اضافه شده است. علاوه بر آن یک دستورات صریح و روشنی داریم به خصوص در ارتباط با بحث آمریکا و برگشت آن به برجام که نهایتا هر کسی که باشد باید این مسائل را مراعات کند. وی افزود: شروط ما مشخص و روشن بوده و قانون هم تکلیف را مشخص کرده است. نهایتا بحث این نیست که ما کوتاه بیاییم یا تغییر موضع بدهیم چارچوب کار مشخص است و این دفعه هم طرف مقابل است که باید، خود را با چیزی که تعیین کرده‌ایم تطبیق بدهد تا کار را جلو ببریم. نماینده سابق مجلس بیان کرد: گذشته برجام یک تجربه برای کشور و دولت جدید است، تجربه هم این است که به هیچ عنوان آمریکایی‌ها قابل اعتماد نیستند و هرچه که مطرح می‌کنند و می‌گویند تضمین لازم باید داشته باشد. این همان چیزی است که در بحث برجام هم بود منتها به علت کوتاهی و تعلل هیچگونه تضمینی از طرف‌های خارجی گرفته نشد همانطوری که شرکت‌هایی که بعد از برجام برای سرمایه گذاری آمدند از آنها هم، هیچ تضمینی نگرفتند. به محض اینکه رئیس جمهور نادان قبلی آمریکا از برجام خارج شد سرمایه گذاران هم رفتند. در صورتی که در همه دنیا قراردادی که بسته می‌شود اگر هر یک از طرفین قراردادی را بخواهد یک طرفه فسخ کند یا از آن خارج شود حتما باید یک ضرر و زیانی به طرف مقابل، پرداخت کند.

دیدگاه

## تغییر افراد یا تغییر رویکردها؟!

ادامه از صفحه اول / اگر تغییر با مدیریت صحیح همراه باشد، می‌توان از آن به نحو مثبت برای سازمان بهره جست، اما اگر مدیر توانایی برخورد صحیح با تغییر را نداشته باشد، تغییر به بحران تبدیل خواهد شد که می‌تواند در مواردی حتی به شکست سازمان نیز منجر شود.» سخن آخر: به زعم نگارنده ، تغییر در ساختار و سیستم آموزشی ما گریز و گزیر ناپذیر بوده و اضلاع ناراضی از آموزش و پرورش فعلی (معلمان، دانش‌آموزان، اولیا و کارگزاران آموزش و پرورش ) هر کدام از منظر خود منتظر وقوع تغییرات مثبت به نفع خویش هستند. فرهنگیان (معلمان و کادر اداری) برای احصاء مطالبات منزلتی و معیشتی خود پیگیر اجرای بی تنازل نظام رتبه‌بندی هستند. دانش‌آموزان و خانواده‌ها به عنوان دو ضلع دیگر منتظر برقرای عدالت آموزشی، حذف مافیای کنکور و برچیده شدن مدارس طبقاتی و به روز رسانی آموزش مطابق نیازهای بازار کارند. آنچه مسلم است این است که در تغییرات احتمالی (افراد و رویکردها) باید اسناد بالا دستی (سند تحول بنیادین و...) و انتظارات معقول شرکای آموزش و پرورش در آیینه واقعیت‌های جاری و البته مطابق با امکانات دولت مطمع نظر قرار گیرد.

سعید شریعتی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

# بحران منابع در ایران بسیار جدی است

**هیچ دولتی نمی‌تواند یک شبه مشکلات را حل کند**

**با نارضایتی همراهی و همدلی صورت بگیرد**

**دولت از مردم برای حل مشکلات کمک بگیرد**

**آرمان ملی- سهیل ثابت: نارضایتی‌های اقتصادی و معیشتی مردم همچنان برقرار است و نه تنها کم نشده بلکه مشکلاتی مثل بحران آب، قطعی برق و... نیز بدان اضافه شده و به واقع صدای انتقاد را در آورده است. این در حالی است که برخی افراد و جریانات تمامی این مسائل را به روحانی و دولتش نسبت می‌دهند و دولت را مسئول به وجود آمدن چنین شرایطی می‌دانند. حال روحانی یک تا دو هفته دیگر مهمان پاستور است و پس از وی سید ابراهیم رئیسی بر کرسی خواهد نشست. وی که شعار حل مشکلات به نفع مردم را داده قطعا شرایط موجود کشور و نارضایتی‌های مردم را احصا و رصد کرده و قدر مسلم با برنامه‌ریزی به این عرصه وارد خواهد شد. با این تفاسیر باید دید رئیسی و دولتش با بحران آب، برق، وضع معیشتی مردم و تحریم چگونه برخوردی خواهند داشت و این مسائل در دولت بعدی فروکش خواهد کرد یا به نحو دیگری بروز می‌کند. برای بررسی نارضایتی‌ها و علل و عوامل آن، بحران منابع در ایران و چگونگی رفع مشکلات «آرمان ملی» با سعید شریعتی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.**

**مشکلات معیشتی، نیازمندی‌های اولیه زندگی مردم و برخی محدودیت‌ها باعث شده تا جامعه اعتراض خود را نسبت به شرایط حاضر نشان دهد؛ از دیدگاه شما دولت جدید که شعار تغییر به نفع مردم را داده تا چه حد در این راه موفق خواهد بود؟**

بحران منابع در ایران جدی است و با هیچ بنی بشری چه از دولت یا بخشی از ملت شوخی ندارد. ما در همه حوزه‌ها با بحران منابع مواجهیم و منابع ایران چه به لحاظ زیست محیطی، چه به لحاظ سرمایه و دارایی‌ها و چه به لحاظ سرمایه‌های اقتصادی متاسفانه منابع تجدید ناپذیری است. لذا هر چه بیشتر مصرف می‌کنیم و جمعیت افزایش پیدا می‌کند در همه حوزه‌ها دچار استحصال بی رویه از منابع هستیم و چیزی جایگزین نمی‌شود. چنانکه آب، برق ، نفت و... را مصرف می‌کنیم اما این منابع تجدید و جایگزین نمی‌شود. از طرف دیگر نیرو و منابع انسانی نیز به همین صورت است که نیروهای انسانی کارآمد را مصرف می‌کنیم اما جایگزینی برای آنها نداریم. لذا منابع باید بتواند کفاف هزینه‌ها را بدهد اما وقتی نمی‌دهد و منابع کاهش پیدا می‌کند تعارض منافع پیش می‌آید و این تعارض منافع نیز خشونت پیش می‌آورد که منجر به اعتراضات و شورش‌ها می‌گردد. لذا کمبود منابع بحرانی بسیار جدی است که باید فکر عاجلی برای آن کرد. اما متاسفانه در دهه‌های گذشته نه فقط در ۴ دهه گذشته شاید در صد سال اخیر ایران از مدیریت درست منابع به شدت فاصله گرفته و با یک گشاده دستی در مصارف منابع ایران زمین را مصرف کردیم و چیزی جایگزین نکردیم. این مشکل اصلی است که باید مرتفع گردد و ارتباطی به دولت‌هایی که آمدند و خواهند آمد ندارد که با تغییرات در دولت‌ها اتفاق خاصی رخ دهد. لذا هر کسی که ادعا کند امروز این دولت رفت و فردا دولت دیگری می‌آید و او یک شبه همه این مسائل، مشکلات و بحران‌ها را درست می‌کند به همین دلیل صلاحیت اداره کشور را ندارد. چون اولین مساله در اداره کشور دانش و آگاهی نسبت به وضع موجود و علل پدیدار شدن وضع موجود است. وقتی کسی وضع موجود کشور را نمی‌شناسد، علل آن را درست ریشه‌یابی نمی‌کند و مدعی می‌شود که مشکل حسن روحانی، اصلاح‌طلبان یا دولت‌های میانه رو هستند و باید انقلابی عمل کرد، با این حرف‌ها صلاحیت خود در کشورداری را زیر سوال می‌برد.

> در ۴ دهه گذشته شاید در صد سال اخیر ایران از مدیریت درست منابع به شدت فاصله گرفته و با یک گشاده دستی در مصارف منابع ایران زمین را مصرف کردیم و چیزی جایگزین نکردیم

**برخی معتقدند که دولت جدیدی که روی کار خواهد آمد باید اولویت خود را نجات ایران به معنای ترمیم زیرساخت‌ها و امور زیر بنایی مستهلک در حوزه‌های مختلف قرار دهد؛ چه میزان به این مساله معتقد هستید و اساسا چقدر این کار شدنی است؟**

بله؛ من هم موافقم و همان‌طور که گفتم مساله مهم بحران منابع در ایران است. ما منابع خود را مصرف کردیم و به اینجا رسیدیم. وقتی منابع از دست رفت و مصرف شد اینگونه نیست که بخواهیم با یک حرکت انقلابی یک شبه یا دو شبه منابع از دست رفته را بازیابی کرده یا سفره‌های زیر زمینی را از آب پر کنیم. جالب اینکه در این شرایط برخی صحبت از افزایش جمعیت ایران می‌کنند در حالی که کسی که می‌خواهد فرزند آوری کنند و جمعیت ایران را از ۸۵ میلیون به طور مثال ۱۴۰ میلیون نفر برساند باید فکر این را هم بکند که منابع فعلی جامعه کفاف همین ۸۵ میلیون نفر را نیز نمی‌دهد. لذا باید قبل از اینکه به این مسائل فکر کنیم به فکر معاش مردم باشیم.

**تجربه ثابت کرده که نارضایتی‌های مردم بخصوص نارضایتی‌های معیشتی؛ اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شناسد و همه را به یک چشم می‌نگرد؛ اساسا مجموعه دولت و حاکمیت باید چه اقداماتی انجام دهند و به کدام مسیر حرکت کنند تا این نارضایتی‌ها جای خود را به رضایتمندی نسبی دهد؟**

نخستین مساله اینکه اعتراضات مردم نباید سرکوب شود. یعنی مردم احساس نکنند که اگر نان، آب، کشاورزی، غلات، گوشت، مرغ و... از آنها دریغ شده جان‌شان هم محترم نیست و فریادشان نیز نارسا است. به‌هرحال خشم مردم باید تحمل شود و همدلانه همراهی شود و در عین حال با این نارضایتی همراهی و همدلی صورت بگیرد و از خود مردم برای حل مشکلات کمک گرفته شود. اقرار به ناتوانی عیب نیست و دولت اگر نمی‌تواند کاری انجام دهد باید بگوید که من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. مرحوم شهید رجایی در دولت خود یک بار به تلویزیون آمد و صادقانه به مردم گفت که دولت بیش از این نمی‌تواند و به دولت کمک کنید. لذا زمانی که مردم دیدند رئیس جمهورشان صادقانه با آنها صحبت می‌کند دولت را کمک کردند. حال در شرایط فعلی برخی ادعاهای گزافه‌ای که برخی از آقایان می‌کنند تحقیر مردم است. این همه واکسن کرونای ایرانی تبلیغ می‌شود اما چند درصد مردم واکسینه شدند؟ خب مردم هم فکر می‌کنند که اتفاق خاصی نخواهد افتاد، لذا شرایط همین می‌شود. این سیاست‌ها در بحث واکسن باشد یا در مسائل دیگر غلط است. وقتی به سمت انزوا پیشه کردن در ساختار جهان حرکت کنیم در نهایت به اینجا می‌رسیم که شرایط به این حد بغرنج شود. لذا باید ببینیم که سیاستی که غلط باشد از کجا نشأت می‌گیرد. اگر سیاست ما درست بود در بحران آب نیاز به تولید گندم یا برنج با میزان آب بری بالا نداشتیم. بخش اعظم بحران آب اخیر زاینده رود اصفهان و رود کارون در خوزستان به دلیل برداشت غیرقانونی آب برای کشت غیرقانونی برنج در حاشیه زاینده رود و کارون است. کسی که در دشت مرکزی ایران برنج می‌کارد به منابع ایران خیانت می‌کند. لذا بازهم می‌گویم که مشکل اصلی کشور بحران و کمبود منابع و به خصوص منابع انسانی است. در نتیجه باید اقدامات درست و موثری صورت گیرد تا هر چه بهتر از منابع باقی مانده را مدیریت کرد و دولت و سایر دستگاه‌ها در راستای احیای برخی منابع حیاتی کشور اقدامات لازم و شایسته را انجام دهند تا بیش از این با مشکل و بحران‌های مختلف روبه‌رو نباشیم.

سید ناصر قوامی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

# هر رئیس جمهوری با اختیارات ده درصدی قفل می‌شود

**مردم از اصلاح‌طلبان رویگردان نشده‌اند**

**مجلس دنبال حاشیه تراشی برای اصلاحات نباشد**

**فراموش نشود دولت روحانی تحریم‌ساز سازمان ملل برداشت**

**مردم قضاوت واقعی را خواهند کرد**

**آرمان ملی- نرگس کارخانه‌ای: روزهای پایانی دولت روحانی در حالی به اتمام می‌رسند که همچنان تنازعات و درگیری‌ها از طرف جناح اصولگرا و برخی افراد تندرو ادامه دارد. این درگیری‌ها گاهی از کلام فراتر می‌رود و به اقدام عملی تبدیل می‌شود؛ در هفته اخیر برخی از وزرای دولت روحانی به مجلس احضار شده‌اند. برخی از کارشناسان این اقدامات جناح مقابل اصلاح‌طلبان را در جهت زمینگیر کردن اصلاح‌طلبی و حذف آن از رقابت‌ها می‌دانند. حتی چندان لازم به یادآوری ذکر مصادیق نیست تا اثبات شود کشور در شرایط درگیری‌های جناحی شود که در نهایت راه چاره‌ای برای هیچ یک از گره‌های کور کشور نیستند. برای بررسی این موضوعات با سید ناصر قوامی گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.**

**برخی آقای روحانی را وارث ویرانی‌های به جای مانده از احمدی‌نژاد می‌دانند و حال برخی اصولگرایان هم اظهار می‌کنند که رئیسی وارث ویرانی‌های دولت روحانی است، در این راستا تا چه میزان عملکرد آقای روحانی را قابل دفاع می‌دانید؟**

تمام عملکرد آقای روحانی را قابل دفاع نمی‌دانم اما برای قضاوت درست باید به مسائل موجود در زمانی که وی روی کار آمد توجه کنیم. برخی از این مشکلات را دیگر نداریم. در آن زمان ما هفت قطعنامه سازمان‌ملل بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل، یعنی دخالت نظامی را علیه خود داشتیم و امکان جنگ در کشور وجود داشت. با تلاش بسیار زیاد دیپلماسی در دولت روحانی و با موافقت رهبری برجام اتفاق افتاد که برای کشور بسیار خوب بود. درست است که تحریم هستیم اما تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ما وجود ندارد. با روی کار آمدن فردی چون ترامپ بود که وقتی زیر توافق‌نامه زد برای کشور مشکل درست شد، باید بدانیم اگر برجام به نفع ما نبود قطعا وی از آن خارج نمی‌شد. روحانی در دوره اول خود بسیار موفق عمل کرد. از طرفی با گذشت هرچه در این دو دوره رخ داده و نداده درست نیست که روحانی مسائلی را مطرح کند مثل اینکه قصد داشته دو وزیر زن انتخاب کند اما امکان آن محقق نشده است. وی باید اشاره کند که چرا چنین اقداماتی که در حیطه اختیارات او بوده انجام نشده و نهایتا می‌توانسته با معرفی وزیران زن به مجلس این خواست خود را اثبات کند. این عذرخواهی‌های الان روحانی قابل قبول نیست. باید با مردم صادق بود و دلیل اصلی را بیان کرد. از طرف دیگر عملکرد آقای روحانی در داخل کشور قابل دفاع نیست. وزیر کشور دولت وی رحمانی فضلی بود که از ابتدای این انتخاب بارها و بارها اعلام کردم که انتخاب یک اصولگرای برای بالاترین مقام وزرا با دولت آقای روحانی که برخاسته از اراده اصلاح‌طلبان بوده هیچ مناسبتی ندارد. همان وزیر بود که استانداران، فرمانداران و بخشداران را تعیین می‌کند.

> روحانی مسائلی را مطرح کند مثل اینکه قصد داشته دو وزیر زن انتخاب کند اما امکان آن محقق نشده است. وی باید اشاره کند که چرا چنین اقداماتی که در حیطه اختیارات او بوده انجام نشده و نهایتا می‌توانسته با معرفی زیران زن به مجلس این خواست خود را اثبات کند

**از برجام به عنوان نقطه اختلاف شدید برخی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان که بگذریم، عملکرد دولت روحانی را در امور داخلی چطور ارزیابی می‌کنید؟**

آقای روحانی چندین کار بسیار درست انجام داد؛ مثل همین اقدام اخیر که در جهت افزایش و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان لشگری، کشوری و تامین اجتماعی انجام شد. رئیس جمهور ده درصد اختیار دارد و در همان ده درصد هم نهادهای حاکمیتی شریک هستند. بنابراین نمی‌شود توقع داشت که سیاست‌های کلی و خارجی را دیگری تعیین کند و رئیس جمهور بیاید و بتواند اقتصاد کشور را اصلاح کند. بنابراین از لحاظ سیاسی روحانی را از این جهت مقصر می‌دانم که باور دارم می‌توانست وزرای خوبی انتخاب کند اما از لحاظ اقتصادی نمی‌شود به روحانی خرده زیادی گرفت، چراکه به اندازه اختیارات او می‌توان توقع داشت. برای نمونه آقای روحانی این حق و اختیار را نداشت تا پروژه‌های بسیار مهمی را به مناقصه‌های بین‌المللی بگذارد و این پروژه‌های بدون مناقصه به برخی نهادها داده می‌شد. روحانی به قدر توان خود در امور اقتصادی و اداره کشور کار کرده است. احمدی‌نژاد هم چنین اختیاراتی نداشت و همین مشکلات وجود داشت. درآمدهای نفتی در آن زمان چه می‌شد؟ وی چه کسانی را در زمان خود برادران قاچاقچی خطاب می‌کرد؟ تفاوت آن بود که احمدی‌نژاد از خود همین جناح اصولگرا بود و در نتیجه علیه او تبلیغ نمی‌کردند. مرحوم شاهرودی این اظهارات را باب کرد که «من ویرانه را از آیت‌ا... یزدی تحویل گرفته‌ام.» باید پرسید وقتی ویرانه را تحویل گرفتند آیا آبادی در نهایت به بار آورده‌اند یا ویرانه را ویرانه‌تر کرده‌اند. امیدواریم آقای رئیسی بنابر عقیده آنان که معتقد هستند ویرانه و زمین سوخته تحویل گرفته‌اند، در پایان کشور را آباد تحویل دهد و البته منظور از لحاظ به راه افتادن ماشین تبلیغاتی نیست. در آسایش، رفاه و امنیت مردم آبادی‌ها را در واقعیت می‌بینند. آقای رئیسی هم همان ده درصد اختیار دیگر روسای جمهور را دارد اما در همان درصد نهادهای دیگر بیشتر از رئیس جمهورهای دیگر به وی نزدیک و بر او مسلط هستند.

**عاقبت این اصطکاک‌های مجلس و اصولگرایان با اصلاح‌طلبان را چه می‌دانید؟**

من دارای اطلاعات دقیق از تخلفات وزرا، استانداران و مدیران دولت نیستم اما درست کردن پرونده برای کسی که چهار یا پنج سال یک وزیر یا مدیر بوده است به هیچ وجه کار سختی نیست. من این افراد را تبرئه می‌کنم اما آنچه هم که برخی اصولگرایان و تندروها می‌گویند تنها در جهت حرکت به سمت ماجراجویی است و نه در جهت حقیقت. آنچه در ادامه تحقق پیدا می‌کند هم تا حدی بستگی به سیاسی و یا حقوقی عمل کردن دستگاه قضا دارد. پیش‌بینی من این است که ممکن است در آینده برخی از افراد دولت آقای روحانی را هم به محاکمه بکشانند و جوسازی‌هایی علیه آنها کنند که اکثرا هم اصلاح‌طلب هستند تا اثبات کنند دولت آقای روحانی و وزرا همان آشی هستند که اصلاح‌طلبان پخته‌اند. مردم از اصلاح‌طلبان رویگردان نشده‌اند بلکه به طور کلی از اینکه با توجه به ساختار اصلاحاتی صورت بگیرد و اساسا جناح اصلاحات توان ایجاد تغییرات را داشته باشد، مایوس هستند. این یاس هم به خاطر شخصیت‌ها و افراد خاصی چون روحانی نیست بلکه گلایه آنها این است که اصلاحات در این بیست سال چیزی را اصلاح نکرده و در این خصوص حق با آنهاست. اگر در انتخابات فردی مثل آقای تاجزاده اجازه حضور می‌یافت می‌شد دقیق گفت که چه تعداد از مردم هنوز به اصلاحات باور دارند، آقای همتی هم سابقه اصلاح‌طلبی نداشت که بتواند چنین نقشی را ایفا کند و در نهایت تک‌صدایی اتفاق افتاد و با همه آنچه آنها می‌کنند باید قضاوت را به مردم سپرد و آنها به خوبی قضاوت خواهند کرد.

فراسو

حشمت‌ا... فلاحت پیشه:

## برجام احیا می‌شد، رئیسی ناچار به بستن بودجه تحریمی نبود

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره اینکه عده‌ای «برجام» را یک شر می‌دانند و معتقدند قانون مجلس شر آن را از سر دولت بعدی برداشت در صورتی که این توافق یک تصمیم حاکمیتی است و نظام درباره آن باید تصمیم بگیرد، سرنوشتش در دولت رئیسی چه می‌شود، گفت: معتقدم در مورد برجام مواضع مختلفی بیان می‌شود، آن هم در صورتی که برجام حاصل یک توافق سیاسی و دیپلماتیک بین چند قدرت است که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با قدرت‌های روز جهانی این توافق را انجام داد. حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه اظهار داشت: البته در برجام خطوط قرمز طرف‌های متقابل رعایت نشده است و لذا این توافقنامه یک «حد مقدور» است و برای هیچ کدام از طرفین «حد مطلوب» نیست. وی با بیان اینکه به طور طبیعی نظرها و موضع‌گیری‌های مختلفی در قبال برجام شکل می‌گیرد، ادامه داد: در امر مملکت‌داری یک موضوعی تحت عنوان سیاست‌گذاری وجود دارد که سیاست‌گذاران بین محاسبه سود و زیان، بین محاسبه تهدید و فرصت، بین محاسبه دستاوردها و ضررها مقایسه‌هایی را انجام می‌دهند که پس از انجام این محاسبات در نهایت تصمیمی که می‌گیرند حاصلش حد مقدور است؛ از همین رو باید گفت که برجام یک حد مقدوری است که طرفین به آن دست پیدا کردند. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم عنوان کرد: برجام اگر با یک تحلیل جامع از وضعیت بین‌الملل همراه شود، طبیعتا کسانی که نگاه واقع‌گرایانه دارند، همراه و حامی‌اش می‌شوند؛ زیرا معتقدند با واقعیت‌های مبنی بر تقابل قدرت هم‌خوانی دارد، اما در مقابل آن دسته از افرادی که نگاه کاملا آرمانی دارند، قطعا در حوزه‌های مختلف این توافقنامه نظرات مخالف در مقابل گروه اول دارند؛ چراکه آرمان‌ها و اهداف حداکثری آنها تامین نشده است. وی بیان کرد: از آنجایی که علم سیاست علم «حد مقدور» و علم واقع‌گرایانه است و اگر با این نگاه به مسائل و مشکلات موجود بنگریم؛ باید امورات کشور و بیش از ۸۴ میلیون نفر جمعیتش مدیریت شود که در این صورت، برجام یک امر قابل قبولی است. نماینده ادوار مجلس با تاکید بر اینکه برجام نباید معیاری برای قضاوت ارزش‌ها بین طرف‌های مختلف چه موافقان و چه مخالفان باشد، اظهار کرد: به طور مثال ما مشاهده می‌کنیم از برجام برای قضاوت کسانی که امضا و اجرایش کردند، استفاده می‌شود که به اعتقاد من این کار غیرحرفه‌ای است. فلاحت‌پیشه اضافه کرد: به شخصه معتقدم با توجه به واقعیت‌های موجود در دنیای امروز برجام یک «حد مقدور» قابل دفاع بود و امروز هم اعتقادم بر این است. وی ادامه داد: اگر ایران در دوران انتقال دولت و قدرت از آقای روحانی به آقای رئیسی برجام احیا را می‌کرد، بسیار به سود منافع ملی بود؛ چراکه گذر زمان بیشتر به ضرر جمهوری اسلامی ایران است، زیرا آقای رئیسی مجبور می‌شود اولین بودجه خودش را در قالب یک بودجه تحریمی بنویسد. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل اذعان کرد: پیش‌نویس بودجه بلافاصله بعد از تشکیل دولت جدید شکل می‌گیرد، یعنی وزرایی که از مجلس رای اعتماد می‌گیرند، اولین کارشان این است که در جلسه تهیه پیش‌نویس بودجه شرکت کنند که با وضعیت موجود، این طرح پیش‌نویس تحریمی خواهد بود؛ درصورتی که اگر در روند انتقال دولت همکاری بین آقای روحانی و آقای رئیسی زیر نظر شورای عالی امنیت ملی که تصمیم‌گیرنده مقوله‌های کلان همچون سیاست خارجی، برجام و پرونده هسته‌ای است، شکل می‌گرفت، رئیس دولت سیزدهم می‌توانست اولین بودجه خودش را توسعه‌ای ببندد. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم خاطرنشان کرد: در طول دورانی که ترامپ از برجام خارج شد، زحمات زیادی در کشور کشیده شد اما کل بودجه تحت عنوان یک بودجه جاری بسته شد نه بودجه توسعه‌ای آن هم در صورتی که در شأن کشور ما نیست بودجه‌های‌مان را فقط جاری ببندیم بلکه کشور ما نیازمند بودجه توسعه‌ای است. وی با بیان اینکه اگر آقای رئیسی با یک برجام احیا شده مواجه می‌شد، اولین بودجه‌اش یک بودجه توسعه‌ای بود، گفت: ویژگی‌های این بودجه این است که در آن اشتغال ایجاد می‌شود، بهره‌برداری صورت می‌گیرد، عمران به وجود می‌آید، شاخص‌هایی مانند رشد ۸ درصد صنعتی و اقتصادی شکل می‌گیرد و با کاهش بیکاری و تورم روبه‌رو می‌شویم و ما همه اینها را می‌توانستیم به دست بیاوریم اگر روند انتقال دولت با همکاری در قضیه برجام صورت می‌گرفت اما اولین بودجه دولت سیزدهم، بودجه‌ای است که قرار است در شرایط بحران شکل گیرد.

در پیچه

کمال‌الدین پیرموذن:

## در کابینه رئیسی شاهد سهم‌دهی به جبهه پایداری نخواهیم بود

یک نماینده سابق مجلس درباره تشکیل کابینه از سوی سید ابراهیم رئیسی و نگرانی‌هایی مبنی بر اینکه با توجه به حضور افراد تندرو در ستادهای انتخاباتی وی این بیم وجود دارد که این افراد در کابینه رئیس‌جمهور منتخب هم حضور داشته باشند، گفت: آقای رئیسی با توجه به شخصیت، منش و شعارهایی که دادند مبنی بر بهره‌گیری از شایستگان همه گرایش‌های سیاسی و همچنین انتشار فراخوانی مبنی بر اینکه افراد و اشخاص دیدگاه‌های خودشان را در راه مسائل بسیار خسران‌آور اقتصادی و در جهت حل مشکلات عمیق اقتصادی و فشار معیشتی بیان کنند، بعید می‌دانم چنین اتفاقی بیفتد. کمال‌الدین پیرموذن اظهار کرد: رئیس‌جمهور منتخب از اول هم تاکیدشان فراجناحی بودن کابینه‌اش بود، همچنین این اسم مردمی که دولت ایشان یدک می‌کشد نشان می‌دهد که گمانه‌زنی‌هایی که از طریق افراطیون و تندروها مطرح می‌شود، همه ساختگی و بر مبنای منافع باندی، گروهی، جناحی و دسته‌ای است. وی با بیان اینکه مشکلات عمیق سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی کشور با شعار از بین نمی‌رود، اظهار داشت: آقای رئیسی گفتند شایستگان در دولت ایشان حضور خواهند داشت، بنابراین کابینه وی با گرایش اصولگرایی معتدل خواهد بود و بی‌تردید این افراد در آن نقش‌آفرینی خواهند کرد. پیر موذن بیان کرد: قطعا هنگامی که آقای رئیسی برنامه و فراخوان می‌دهند و در شعارهایشان اعلام می‌کنند که کابینه مردمی دارند؛ شنیدن این چیزها برای تندروها و انحصارطلبان قدرت بسیار سنگین و سخت خواهد بود. ایشان شایستگان و کسانی که شجاعت دارند را با هماهنگی دلسوزان نظام در در صف‌آرایی شکل‌گیری کابینه خواهند گذاشت. وی خاطرنشان کرد: اخیرا شنیده‌ام از مجلس کم استفاده خواهند کرد و در صورتی که آقای نیکزاد را انسان کاری می‌شناسم و شاید هم در کابینه خدمت ایشان باشند؛ آنچه که می‌شنوید قرار است از زاکانی‌ها و از ذوالنورها استفاده کنند، اینها همه‌شان آب در هاون کوبیدن و مطالب واهی است و ما شاهد سهم‌دهی تاثیرگذار به جبهه پایداری نخواهیم بود.